



دائرۃ

مقدمه‌ای بر بحث «حرکت» انسان قرآنی در مسیر تعالیٰ

این مقاله با محور قرار دادن آیه شریفه «ای ایها الانسان ایک کادح الی و بک کد حاصللایه» و پیگیری بعضی در رابطه انسان شناسی قرآنی، هی کوشید با تفسیر و ارزش و مفهوم «کند» در این آیدی، حرکت و تعالی انسان را که دلیل برخود را دری از تمهد اختیار و سوزو لیست، با حرکت های چون هری و ذاتی موجودات دیگر فشر انسانی، مقابله است، حرکتی و زیستی مرغی کند که به دلیل انسانیش به پدر و مادر اینم که وسیله در حق انتخاب و اعمال اراده و گزینش طریق دارد، با اثواب دیگر سلوک و حرکات غیری اختلال جدی دارد.

و خلیفه «او» روزی، مین باشد از تسامی، قد و نعمتی
خواهی چهاری خارج شود و به سوی کمال انسانی
پستنده از بسته جن و جان و شبستان دور شود و پر
پنهانیم طریق عذری حزاد (ال Alam) کفر از این
خواهی باشد و در نهادن درون شدن به این با عالم
تاریک و ظلمتی چهل و چون جنگی خواهی را پشتیم
گذاشته و رویه عالم نور و روشنایی مطر و آنکه بدلزد
که ایسلن به «لهک» و عالم شیب یعنی لین (ذلسته) و
به قدره نگزیراند

«الله ولی الذين آمنوا» برجهیم من الفاظ
الآن امور و اذنین که رولانه عالم الطاغوت بخیر جوینم
من اغوار الى اغوار لملات او لانک اسحاح الامر مم فیها
خان: ۱۰

از چنین دیدگاهی ترجمه ایه فرق عیالت است از
اینکه «آدم» مان های هفت گذشته مین و آنچه مرانها
همست (یعنی همه گذشته) بهر یعنی حرکت های
نمکنند و مترازن و متخلل تسبیح گوی خالق و
پروردگار خود شند و خود را به یگانگی و فقرت تله
می سانندند هر نسلی اکتفایت چیزی وجود ندارد که
هر کلر چشم و حرکت و ارتعاش و تسبیح گوین
لپانند و گماننگی های حالت نمکنند و متخلل نشوند ولی
شما آن نسبیح گوینی هایی ستمل و خانی موجودات
هر دو عالم شهد و غیره را می کنند و به پوش
در مرسی و برد و با اینها را خسروید خودسته های مدلند
خدای خالق هم بسته به این مهلل مکاری های شما
می سردد گذشت و می بگذشت ایه کان: ۱۰

قرآن مجید را این نوای امیر پیکار خواه شاهام رح کات مشهد و نلشیوه و جود بور و عالم غیر و شهد و راکه سریو با عالم غیر قیلسیست. تنهه نخته علوی حسینی گویند «سریف کرد و از طرف دیگر، حسینی کتیبه ای تکری، دهنی، دینی، علیقی، طرقی، اخلاقی و اجتماعی سریو باشد و راحی آدم را که در شهه در حق اختبار و اصل لاد و گزینش طریق دارد. حرن کنی کیچ ایز و مل آنکه بز همراهی کرده است. هدین طریق ماهیون حرن کنیه ای سرویله خیز انسانی و چیز تعلولات چوهری و موجوخته، نفاوش چشمگیر و فاشش وجوده درد که بکی منسترازو دیگری را مت او ایام و ایمهانیکی باست و هیون دخالت فکر و زندگانی عجمانی شود.

پس بر فرهنگ قرآن مجید کل حرکت جهانی بدان اکونغ قرائیگر تقسیم می شود و دنیکی تنبیه و تدبیل ذاتی و چوهری همه موجودات فیرسنان است که آنرا تسبیح گویند و هنر نسب و موضوع آنهاست. مثلاً ایه چهل و چهل و از سروه بندی اسکنی است (حرکات را تکنیک) چه آدم نیز مشمول این نوع است) و دنیکی حرکت کارگاهه و نلائی فکری انسان - زلی و متهدهی که با هنرخواهی هنر تبدیل الله

۱- چون مخاطب این آهانگ نشسته تا این
شناخته نشود ترجمه دقیق آن میسر نمی شود.
چنانکه انسان شنکن فرانسوی را که بخلاف این بیشتر
تو پسخ خواهید داد من سوچن چنین مرتبه کرد
آنچنان چهار یورپی که می است که به عنوان مذکور
علم ایام پاکستانی شود و صورت پنجه داشت
پوست و پوچه چاهوری را تو گفته در گوت‌فلن
متالی و سکمال نامزد جلدگلکی هرچه کند یعنی
حیران است که مستبدان شدن انسان نیست
انسان ممکن و با اخراج انسان مردن است برای
رسول یا این مذکور دور از دسترس پایه شیشه
بر چرخ کن ساخت و گنج آیند، در چه شخص و
ملوک بنشد که اصل مقصود برای انسان نشنند میشین
هر کشتکشی است باید عذرخواهی داشت انسان موجود
چنانی است که مکافرت و تائب تکامل باشد
و معن گله به کمال مطلق ترسد که همین کوشش و
نیاز ذاتی انسانی بعنی انسان است

۲- کلمه «کاخ» اسم فعلی کدح به معنی
منظمه که معملاً از لذت هر نوع تکلف برای موجود

حرکت هستند.
این نوع حرکت که به صورت فرآیندی در مسطوح گوناگون عالم آفیش و در فرهنگ کلیات حاکم است، در زبان فران سیجیده تسبیح گویی عالم وجود گذشت. شداست این نوع حرکت فرآیندی از این لحاظ تسبیح گویی ذات مخصوص اینها نباشد من شود که قدرت کماله الولی «عملان طوبی که در گرمه فرات داخلی اتم تحمل طردند گردش اثلاکه نبین چارده و متجلی است. نوع دینگی از حرکت هست که تو قرآن متن تو شود و خارج از این دونوع حرکت دینگی همچو حرکتی مسی مسوان بر جای اسرائیل کرد

حرکت هستند. مسلط تجزیی، چند حق گذشت و آزمایش های پیکر و مطابق است که دقت و مراقبت های بالتبصره زیادی برای اینچه کند و بطور گذشت «حرکت» هر کس است خاص انسان فکر و انتہای ریاضی، مختار مسؤول و ممهد لینک ترجمه از این و مفهوم آیده ای انسان چون تو بمنظور شناسی برور گرفت و به قصد وصول به مقام خلافت طبقه در زمان، هم کار و گوشش ملتفت فراسایی هشی و در این سوره متحامل دخن و مرارت زیادی داشتی. پس به تنیجه مطلوب می برسی و به تحسیل آن موفق خواهی شد.^{۲۰}

ساخت وی حرف تکه نهادیزی به هدایت داشتند
و پیغمبر و کتب ندارند خانه شن منزه را به
هدایت چه کار؟ ای باز کلمه به کلمه این آیه کوچکی
که یادیسته بده که تو قرآن و لاو میهم» حروف
متفصلانی که تو قدری زیل قرآن مجید و بدائل آن
آنده، جز عمرکت و سیر سلوک و سخن مسیر
دیده می شود؟ آیه که به تنهایی برگزیده موضع
کتاب بوته، دیباچه و مقدمه آن به حفظ می باشد.
پندرانین نیازی به این نیست که همراهی بولن و
توضیح پیده هر قرآن که جستجوی آنها باید است
به خصوص پهلوانیم که کل کتاب جزو عمرکت
و همانیست، «نکات الله» خوشمزد حام
تحتول ها هستند همه دنگر گون سازی ها و... و
وجود گوناگون حرکت های موجود در گفتگوی حرف
دیگری نثارد.

پالستنیزه ره چین جندگانی و نگران غرضین
ذوقیانی است که من توان گفت و به چاکمه نکار
کرد که بجهش و چشم، گوش و یاکش حیات و
حرکت هر لشکل گوناگون شسان در پیغمبر و جان
و جوهره تملی ایافت و کلامت کتاب کریمه وجوده
درار و آین سلطیح خوشان در میان اشتماعی
گوناگون حاکمیور گذشتند که در کلمه به کلمه آین
کتب منتعلی هستند و مورد استفاده فتویی گزینند
علم توان لفک شخیری فی المحرر یعنی علمه لین کنم
من اینمان نی دلک لایات لکل میرلشکر «میر»
سیرو و حرکت تسیع گونه گشته و شناوری آن رادر
سلطی آب و زیر آن سریعی، آینه احمد مشاهده علی
فست قریعتهای پروردگار پرورند از سیماگزیر^{۲۰}
به عین قریعه شدگرخ من توان گفت که قرآن کریم
مکن بر گردان مجموعه «كلمات الله» پر مفاتیح
کافی داشت کلماتی که به نیروی حرکت و قدران و
گردش و چرخش و نتشه هانی گوناگون بیان داشته
شد سمعه و بالین زبان خلای خالق را می سانید و پر
اسنانش زمینه لمب و میلهات می برسند هلت مران
الله پس مسجد له من طی الاصوات و من فی الارض و
السماء و القمر والجروم والنجوم والدواب و کنیز
من انسان و کنیز حل علیه العذابه

خواهی و رسول خدا مگر خوبی نیست که در حقیقت
همه مخلوقات زیرین و آسمانی هدایه و خوشید و
سازگار کوچکها و هر خان و چالویان جذبندند تهماما
عنه بوس استان خلیله هستند؟^{۲۷}

همان طور که اکثر این حرکت‌های گونه‌گون
موجودات مالم از میمه برخیزند، غریب شی و وجود
آنها را برای بعضی مقدمه اگر از آنها و گاماته هست
حرف‌های چنانی می‌باشد (حرف‌و حنفه) حرکت و
جنیش و فدرت از رنگارنگی اشاره (جان کلامه) ملاحظه
نمودند، هر کثر مطابق حامل تجواده شد و قرآن
خواهی و سه صورتی درمی‌آید که این روزهای مخصوص

پس همان مادر که هستی و هویت کلشته مغلوق
را اخیر کنند چو هری خواست و اینها موکولی های
آنها بیشان من نمی خوند، مذکوبین استثنی و بینارین
کلمات مکتسب و رانور تبر عرضی و دگرگون سازی
چنان کلامه پایه می کنند و نیزه همینه فعال
چنان کلامه است که در جان و روزان و نفس و هویت
شخص مون و لایش مخدش، آنفری جاوهنه بر جانی
می کنند و هر ده مرد هر کتنی تازمی افتد و اتری
جدید و خمامی تو بیدار می گند

پیشواستها

- ١- المفقود
٢- المطر
٣- بقير
٤- بروج-ت-ا
٥- ايلان آيلان ديل
٦- دراول، مصري سوري
٧- ملوكات
٨- بطره، مسكن
٩- بند، باكلام الله
١٠- كيل، مطلب خر
١١- پکي، مكتوبه و مديه
١٢- قفلان
١٣- سنج، اسلئ

در نظری شیطان و ایلیس بوده و آن حرفکنی که خانمه انسان تکمیل گوشته است در مساطع شفیره رو به چاپ الله در زداین یکی در چشم است از طلاقت به نور از چیزهای جلوه‌ری به سمت علم و دانش و دینی و آن دیگری چهش از زور به قلم است بعنی گزینندۀ رواقبت و حقیقت بوده و به سمت لوحه و عرقافت و نایخوردی منتهی دارد.
باید مذکست که کامانی مثل شکر، گفر، لفک، خوش، عالمت، حج، چهاد شاهادت شفاعت و امثال اینها کلاً حرکاتی هستند افسوس انسان‌ها که فقط توجه هر لغظین شی الملم و حمزه‌اللهم را راه خود جلب‌می کنند (العمران: ١٩٠).
وست سوچ گویی که نوعاً در شأن موجودات غیر انسانی است انجایه که به انسان مریم‌وت می‌شود حرفکن است اتفاقاً و عالمه که باید به عصب و به صورت لفظی از عقلی تلقید گوئند صورت پذیرنند اصول و فوئی کتابیں کتب‌نشان از کلمه «حکم»-
یعنی رخدمه و زدن سیروج کردن و دگرگون ساختن- برگزیده و خود را کلام از این کتابهای دنیا بنام ملکه کنند
و از نوع فصل و انتقال در چیز تغیر حال و هوای حرکت‌هایی تفصیل آدم تغیر می‌شوند گوایی این مطلب است که بعدهی که در این کتاب مطلع است با حرکت‌هستی با هدایت حرفکنی و چراً بین تو معه
جزیز دیگری در آن به چشم نمی‌خورد.

هذا الكتاب لازم في هذه المتنين^{۱۷}
الي معهد ان كلمن که تو مردم است هرگز با مر
مقابل دید کن اگر داشتی بدن همک و حیله
و نیز نیکی هدایت گر هستین^{۱۸} است و فراز آیات
بهدی پاره می از صفات متنین را به وضمنی کشند
اندک در شعر نهاد و کاملاً کس که در
این آیات هر لوبسط نیکنیکنند
ما حرکت سخن‌نمود و صاحب کوشانی
مر بوطه علم اسلامی - امداد
۱- متنین کسی را گویند که
همشه در راه مصلی به حق در
حر کنی کشتل شده باشد به این
معنی که از مصون و توفیق و انتقام
ندیده است کن
۲- ایمان به غیر یعنی با انسان
وجود خود را درین این تدریج فرمی
تابدیان یکلود که تو هر گونه کسو و
نفیانی مرا به مدد ملسوغ نمای
قدرت های مختلف است و همینه
است

میں خر
مسؤوا
لسانی و
جوہری
تفاوتوں
فاہش و
کہ یک
دینگری را
و اتوماتیک

- شنبه خلاسته
ست که برای
جهة مستحب و
راجح مسخر
شنبه پربروط
شنبه پلشد که
پنکه مخنوی
قرشید باطنابه
دی درلنداها
ن امی ستابند
تغیری پر را خته
و دهن شلراند
سلالت مردود
لارشلن گندو
گرمه هر دو
که سینه هر
عن قشت های
دونیع حرکت
چلخس ر
سلیمان ذاتندها
از علت شرقهای
وطبه حرکات

نامحدود و حرکت در موجودات هالهای حروف کثیره
منفصلانی مستند که با پرتوست به هم متحدا
«کلمه‌گاه» و تشکیل می‌دهند و از ترکیب و تایید
«کلمات الله»، مجموعه آیات و اوراق دفتر طبیعت
تلویں شده که نابهادرت «المکتبه» هر معرض
جهد و شهادت «ولایات» و حرف‌خین فی العالم
قرآنی مدد و آنها را به شهادت فرامی خوانده که
هر کلمه‌ی ایمان کتاب‌گیر و حرج‌خواه ایمان
مجموعه آیات و کلمات جهانی، هم شاهد است و
هم مشهود «الرساله» ذات الرجوع، والیوم الموعود
و شاهد و مشهودیه شهادت اسلام بر نفس و
نکار عالم و اهلی و کلامشان را بوسه گواش
آن زمانی که وعده داده شده قشت و علاوه‌ی که
هم شاهد و هم مشهوده^{۲۱} شاهد برای اینکه
حضر قدرت خالق هلتکه ای کوچکی، من دهدند و به
آنها استنده‌ام بودند مشهودند برای اینکه واقعیت
در لرن و خیال‌پی را باید، اسی کشته^{۲۲} (قرآن مجید
این آیات و کلمات آسمانی را که‌ای من گیرد باید نکند
قبل اصحاب الاحوال^{۲۳})
این بود نظرلر کنی و جامع الاطراف قرآن مجید
در معرفه حرکت و توجه شخصوصی که این
کنی‌بی نظری به حرکت‌های لکنی و لعنی قسان
کمال جوشونده نتمی‌گارد
باون تردید همین دفتر بود که حر غاز حرراه
چیرلیل به رسول امی و درس باخراخه هلهه^{۲۴} ترک
فاذ و بور گفت «قراباً سرمه رکاندی خلقی» یعنی
هیله نام پسرور و کاری که این همه والفریده است
به عنوان «۱۶ حلول»^{۲۵} ای سرا خوشین کلمات دفتر
طبیعته سعاد و خوشین و نوشن خلام نوشتری ادم
راطیبه‌ی نمی‌گند^{۲۶} این کتابی‌ی نظری درین حل
که همه موجودات و مخلوقات عالم استکان را آیات
هله و کلمات طوری می‌داند (کیف ۱۰۹) و آنها در
گردشی تسبیح و گونه‌های طولانی‌ای که همه بدنان
پوشاند (پیشتر کلیل ۱۱۴) مردم را تیره هم‌زی

قرآن مجید حرفت را پیدا نمایی چهان شهول
جان بخش، تبدیل آفرین، کمال افزایش داد و نهاد رشد
و نمود و پسنداری و سی افزاینده لقاکو آستانهای
نامتناهی می خاند و مرمر مقدسان - جسای از این
قیچیل هنوزن که خانمه موجودات غیر سلطنتی و
بعد جایزی ادمونست - حرفتی صعب و خشوار و
کجا همیز را نشانه می کند که تسلیم کوهای
ستره و سرمه طاک کشیده از پیش ایش سر بر زدن
و تحملش را تهارسته و پلاریتی را به او سپرده که
زینی با ان گرفتاری نش و در یهای این جهه گشترش
و سمعتی که ملئند شایستگی پذیرش را داشتند
حر کنی خان افسان مندل و متنکن و بالند که
او را به مراعح «حلیفه اللهین» بخوب و عروج داده، نفس
لوانه در پنهان هوا و هوس های شپشکی این را تابیخ نم
نفس سلطنتی ببال ایام بردویه فوراً بازیزی حی کند
که چه وظیله مستشکنی، به مهده گرفته و مسؤولت
حمل چه بار کرشکنی را بر سر دوش دلکه و لمولا
به او می فرستد که ظ شه افریتیش آدم و نیمیل
آدم، بال افسان موانع به خروج «خداپیسی با آله» پیه
هست کنای که مه برای تو پوش و تعریق پدیده
عمر گشته تکامل نهن و فلک افسان و گونه های
مختلف، چشم های چهاره می عجیز موجویات و مخلوقات
در گر «مجموعه گلستانه» که تهایه شد گر چند ایم و
تندیزی اینشاهه اکتا ناکرده فسته این کتابه شریف
و تشریف این پدیده درینسانی راهه عمدہ بگاید
کلستانش گناشت و جان و جوهره هر کدام از آنها
وال چنان مستدرگ اگذاری و گرگونی سازی و
تکثیری بخشی ذهن افسان گردید است که حتی بد
کلمه ای کلستانش را نمی توان بالغ که خالی از
این الدوایت چندند و گرفتاره شده هر یکی از آنها
شخص مؤمن پاکیل و مخلص را به پایسردی و تلاش
منقوله دعوت می کند و به فکر و تشنی کمال آفرین
قرائی خویشند و پاکیل شده و ایمان مارند.